

اقسام و علل پیدایش غفلت از دیدگاه آموزه های دینی

رویا سیاوشی^۱

چکیده

موضوع این مقاله اقسام و علل پیدایش غفلت از دیدگاه آموزه های دینی می باشد. دلیل آفرینش انسان عبادت و بندگی بوده که آن هم زیر سایه ی ذکر خدا محقق می شود ولی شیطان سعی دارد ما را از این هدف بزرگ غافل نماید. لذا ضرورت دارد که جهت بررسی اقسام و علل پیدایش غفلت برای آگاهی مردم به فعالیت های علمی پرداخته شود هدف از ارائه این تحقیق کسب آگاهی در باب غفلت می باشد، هم چنین روشن فکری اذهان بخصوص جوانان و انتقال آن به نسل آینده می باشد. چنین به نظر می رسد که غفلت رذیله ای است که ممکن است دامن گیر هر انسانی شود و او را از سعادت دنیا و آخرت محروم سازد که در این مقاله به آن پرداخته شده است. غفلت اقسامی دارد از جمله غفلت از ذکر خدا، غفلت از آیات خدا و غفلت از آخرت که با توجه به حب دنیا، سطحی نگری و ... به وجود می آید، غفلت از دشمن که این دشمن، شیطان، هوای نفس، دنیا و غفلت از مرگ و استعدادها را به وجود می آورد، غفلت از عبادت، هم چنین به علل پیدایش غفلت از جمله: پیروی از هوای نفس، دنیا طلبی، آرزوهای طولانی، غنا و موسیقی، شراب خواری و قمار که موجب بروز این مسأله شده است پرداخته شده.

واژگان کلیدی: غفلت، نسیان، سعادت، ذکر.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه (siahiroya@gmail.com).

مقدمه

انسان در پی رسیدن به کمال و سعادت است و این امر در سایه ی تعبد محقق می شود. خداوند متعال در قرآن می فرماید "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند." (سوره ی، ذاریات آیه، ۵۶) یکی از مصادیق عبادت ذکر است. ذکر نقطه ی مقابل غفلت است. غفلت موجب دوری از خدا و سبب پشیمانی است. یاد خدا بهترین و بالاترین اعمال انسان است. دوری از یاد او، دوری از آرامش و هم جواری با ناامیدی است. امروزه با قرار گرفتن در عصر تکنولوژی و صنعتی شدن جهان، لزوم یاد خدا و کسب آرامش بیشتر نمایان می گردد. غفلت در این وادی سبب سرگردانی و ضلالت بیشتر خواهد شد.

غفلت به معنای انصراف توجه آدمی به چیزی است، به گونه ای که همه ی حواس انسان از اصل به موضوع و مطلوب دیگری گردد همانند فراموشی و غفلت از یاد خدا که اصالت حیات آدمی در آن است به امور مادی و دنیوی که فرع بر حیات و زندگانی بشر است.

غفلت فراموش کردن یاد خدا، قیامت و آیات و نشانه های هستی است که دال بر وجود ذات احدیت و خالق یگانه ی آن دارد.

غفلت به دنبال عاملی محقق می شود که سد راه تبلیغ پیامبران در طول تاریخ بوده است؛ عوامل هم چون پیروی از هوای نفس و دنیاطلبی و آرزوهای طولانی و غنا و موسیقی و... که مانع رشد و تعالی معنوی که همان هدف از خلقت انسان است می باشد.

مفاهیم

الف - غفلت

- معنای لغوی

در لغت به معنای فراموش کردن، از یاد بردن، بی خبری و فراموش کاری، سهو و اهماق است. (عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۶۰) اسم مصدر از ریشه غَفَلَ به معنای فرو گذاشت و بی خبر ماند و کامه غفلت همراه با مشتقاتش در همه جای قرآن به معنی بی خبری و غفلت و عدم توجه و اشتباه، تفسیر شده است. (قریشی، قاموس قرآن، ج ۵ و ۶، ص ۱۱۱)

- معنای اصطلاحی

غفلت در اصطلاح به معنای انصراف توجه آدمی به چیزی است به گونه ای که همه هوش و حواس شخص از موضوع و مطلب به چیز دیگری معطوف گردد. (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۱۹۸)

ب - نسیان

نسیان در لغت به معنای فراموش کردن، فراموشی می باشد. (معین، فرهنگ فارسی، ج ۴، ص ۳۲۴۶)

نسیان در اصطلاح: به معنای این است که انسان آنچه را در ذهن خود ضبط کرده بود فراموش کرد که این حالت یا به دلیل ضعف خاطر یا از روی قصد می باشد. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۵۴)

ج - ذکر

در لغت به معنای مدح و ثنا (معلوف، فرهنگ المنجد عربی-فارسی، ص ۵۱۸) و در اصطلاح به معنای توانایی انسان برای حفظ شناختی است که حفظ کرده است و گاهی به معنای حضور معنایی در قلب یا سخنی در زبان است. (همان)

اقسام غفلت

الف) غفلت از ذکر خدا

غفلت از ذکر می‌تواند اعم از غفلت و نسیان اهل معرفت باشد زیرا انسان می‌تواند خداوند متعال را به عنوان خالق جهان بشناسد و حتی به او تا اندازه‌ای ایمان داشته باشد اما به خاطر قوت ملکات است بد و حب دنیا در اغلب و اکثر اوقات در نسیان و غفلت غرق بوده و در زندگی روزمره اش کم‌تر جایی برای خداوند متعال داشته باشد و در روزها و ساعات زیادی تنها به لذت‌ها و هوس‌ها می‌خرد. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۲۹۱)

آیه شریفه زیر مبنی بر همین مطلب است:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید [زنهار] اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگردانند." (سوره ی، منافقون، آیه ۹)

گاهی نیز فراموشی قوت بیشتری دارد در آیه شریفه "نسوا الله فانساهم" یا "نسوا الله فانساهم انفسهم" مصداق پیدا می‌کند. این افراد دیگر هیچ جایی برای یاد خدا و آخرت ندارند و از نماز و بندگی هیچ چیزی نمی‌شناسند.

ب) غفلت از آیات خدا

غفلت از آیات الهی در چهار آیه قرآن مورد بحث قرار گرفته، سوالات متعددی در این جا وجود دارد. اولین سوال این است که غفلت از آیات الهی در قرآن چه معنا و مفهومی دارد؟

آیه به معنای علامت واضح و روشن آمده است (راغب اصفهانی، مفردات، ص ۴۰) گاه علامت، خود امری محسوس است که بر یک امر محسوس دیگر، اما غایب از نظر دلالت می‌کند و گاه علامت و دلیلی با این که خود قابل ادراک حسی است اما نشانه‌ای بر وجود یک امر معقول می‌باشد مثل این که هر نظمی نشانه‌ی وجود یک ناظم است؛ نظم یک امر محسوس است اما ممکن است ناظم محسوس نباشد. (فیروز آبادی، بصائر ذوی التمیز، ج ۲، ص ۶۳)

الف) خلقت عالم یک آیه محسوب می‌شود و علامت و دلیل علم و قدرت عظیم و بی‌حد الهی است. گذشته از اصل خلقت، تمام مخلوقات زمین و آسمان بلکه همه چیز در سراسر گیتی،

آیه‌ای از آیات خدا هستند قرآن می‌فرماید: "وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ؛ و از جمله آیات قدرت الهی خلقت شب و روز و خورشید و ماه است." (سوره‌ی، فصلت، آیه ۳۷)

ب) قرآن معجزات انبیا را آیه نامیده است: "وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ؛ و در حقیقت ما به موسی نه نشانه آشکار دادیم." (سوره ی، اسراء، آیه ۱۰۱)

ج) و گاه تعبیر آیات در مورد کتاب‌های آسمانی به کار رفته است، گاه در مورد احکام خدا و گاه بخش‌های مشخص شده‌ای از سوره قرآن کریم (طباطبایی، همان، ج ۱۶، ص ۶۹)

"وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ ۖ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا؛ و پروردگار تو [هرگز] ویرانگر شهرها نبوده است تا [پیشتر] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند." (سوره ی، قصص، آیه ۵۹)

د) قرآن به پاره‌ای از پیامبران و اولیا خدا هم آیه نام داده است:

"... فَفَخَنَّا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ؛ و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم." (سوره ی، انبیاء، آیه ۹۱)

بیشترین کاربرد کلمه آیه در مورد آفرینش و آفریده شدگان معجزات انبیا، احکام و بخش‌هایی از سوره‌های قرآن می‌باشد و این‌ها همه می‌توانند به بحث ما غفلت، ارتباط داشته باشند.

آدمیان در برابر آیات الهی، مواضع مختلف می‌گیرند. کسانی ایمان می‌آورند و به احترام با آیات برخورد می‌کنند اما بعضی‌ها از نشانه‌های الهی به غفلت و نسیان می‌گذرند و یا با این که آن‌ها را می‌فهمند از آن اعراض می‌کنند قرآن بی‌ایمانی به آخرت را ملازم با غفلت از یاد خدا می‌داند.

مفسران گفته‌اند غفلت از آیات، لازمه عدم ایمان به آخرت و سکون و دل‌بستگی تام به دنیا است و در واقع این غفلت نوعی ثمره و نتیجه برای بی‌ایمانی به آخرت و دل‌بستگی به دنیا می‌باشد. (طباطبایی، همان کتاب، ج ۱۰، ص ۱۵)

تکبر غفلت می‌آورد: قرآن در سوره اعراف تکبر را ریشه غفلت از آیات خود می‌داند و ریشه تکبر در بی‌ایمانی و تکذیب است و به این معناست که در یک آیه قدرت خدا در یک آیه علم الهی بدنه آیه دیده می‌شود اما روحش یعنی آیه بودن آن فهمیده نمی‌شود. تکبر و بی‌اعتقادی غالب بر

شوید، همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی دارید" (سوره مائده، آیات ۹۱ و ۹۰)

قرآن کریم در آیه مورد بحث و آیه پسین سر حرمت خمر و میسر را با بیان وجوه متعددی اعلام داشت که بارزترین آن این است که قمار مانند خمر عمل شیطان است و مایه وقوع عداوت. در تفسیر المیزان آمده است: خمر آن طوری که از لغت استفاده می شود هر مایع مست کننده ای است و سابقاً عرب ها خم را از انگور، جو و خرما می ساختند ولی تدریجاً اقسام دیگری بر آن افزوده شده که امروز انواع و اقسام مختلفی از نوشابه های مسکر ساخته می شود که از لحاظ تأثیر در ایجاد مستی و شدت ضعف آن تفاوت دارد، ولی همه آن ها خمر است و رجز مانند نجس هر چیز پلیدی را گویند و آن حالت و وصفی است که طبایع از هر چیزی که دارای آن حالت و وصف باشد از روی نفرت و دوری می کنند و پلید بودن خمر و سایر مذکورات در آیه از همین جهت است که مشتمل بر وصفی است که فطرت انسانی نزدیک شدن به آن را برای خاطر آن وصفش جایز نمی داند چون که او به هیچ خاصیت و اثری که در سعادتش دخیل باشد و احتمال دهد که روزی آن خاصیت از آن پلیدی جدا شود نمی بیند و شاید از همین جهت پلیدی های نامبرده را به عمل شیطان نسبت داده زیرا شیطان جز شر چیزی صادر نمی کند و اگر در این جهت چنین یافت می شد آن را به طور مطلق به شیطان نسبت نمی داد تا اینکه گوید رجز و شیطانی بودن شراب و سایر مذکورات در آیه از این جهت است که این ها کار آدم ها را به ارتکاب عملیات زشتی که به خصوص شیطان است می کشانند و شیطان هم جز این کاری ندارد که وسوسه های خود را در دل ها راه داده و دل ها را همراه کند. چنان که در آیه بعدی می فرماید: شیطان هیچ غرضی از این عملیات خود؛ یعنی خمر و قمار ندارد مگر ایجاد عداوت بغضانیت شما و این که به این وسیله شما را به تجاوز از حدود خدا و دشمنی با یکدیگر وادار کند و در نتیجه به وسیله همین شراب و انصاب و ازالام شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد. این که در این آیه دشمنی و خشم را تنها از آثار شراب و قمار دانسته است. از این جهت که این اثر در آن دو ظاهرتر است، زیرا معلوم است که نوشیدن شراب باعث تحریک سلسله اعصاب شده و عقل را تخویر و عواطف را به هیجان اعصاب اگر در راه خشم و غضب به کار رود معلوم است چه ثمرات تلخی به بار می آورد. (عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲ و ۱، ص ۲۶۱)

بزرگترین جنایات را، حتی جنایاتی که درندگان هم از ارتکاب آن شرم دارند برای شخص مست تجویز می کند و اگر در مسیر شهوت و حیوانیت قرار گیرد معلوم است که سر به رسوایی

درآورده و هر فسق و فجوری را چه درباره مال و عرض خود و چه درباره دیگران در نظرش زینت داده او را به هتک جمیع مقدسات دینی و اجتماعی وامی دارد. (عبدالحسین دستغیب، همان کتاب، ص ۲۶۲)

بنابراین در این آیه شریفه شراب و قمار از ابزارهای شیطان شمرده شده است که برای ایجاد شکاف و بازداشتن از یاد خدا و نماز می باشد زیرا این دو، آثار منفی بسیاری را در ایجاد اختلاف و غفلت از خداوند دارد، چرا که انسان وقتی شراب می نوشد حالت مستی و بی عقلی به او دست می دهد و قمار نیز سرگرمی است که انسان را غرق خود می کند. لذت بردن از این دو مانع ذکر و یاد خدا می گردد. آیا با استفاده از این دو ابزار شیطانی جایی برای ذکر و یاد خداوند متعال باقی می ماند؟ و در پایان می توان به علل دیگری مثل: پرخوری، پرگویی، همنشینی با دوستان ناباب عدم تفکر حجاب های مادی چشم و گوش توجه کرد.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه هدف از خلقت انسان طبق آیه شریفه "وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" عبارت است از عبادت یعنی بندگی کردن و آن هم جز در سایه ذکر و نام خدای مؤثر نمی‌شود و از سوی دیگر شیطان در پی فرصت مناسبی برای ضرر زدن به انسان است و او سعی دارد انسان را از این هدف مهم غافل سازد چرا که غفلت به معنای انصراف توجه آدمی به چیزی است به گونه‌ای که همه حواس انسان از اصل به موضوع و مطلوب دیگری معطوف می‌گردد و همانند فراموشی و غفلت از یاد خدا که اصالت حیات آدمی در آن است به امور مادی و دنیوی فرع بر بندگی بشر است غفلت فراموش کردن یاد خدا قیامت و آیات و نشانه‌های هستی است که دلالت بر وجود ذات احدیت و خالق یگانه آن می‌کند که این غفلت از اقسامی دارد مانند غفلت از آخرت و غفلت از ذکر خدا و آیات خداوند، غفلت از مرگ و غفلت از استعدادها و عواملی که در آن دخیل است از جمله پیروی از هوای نفس که مهمترین دلیل است و اثر بسیاری در ایجاد غفلت دارد و دنیا طلبی و آرزوهای طولانی، غنا و موسیقی و شراب‌خواری و قمار و عوامل دیگری که باید در شناخت آن‌ها توجه کرد و با آنها مقابله کرد در پایان نیز به این نتیجه می‌رسیم که هر کس در ورطه غفلت گرفتار شود دچار شقاوت دنیا و آخرت می‌گردد زیرا مهمترین هدف را که ذکر خدا بوده فراموش کرده.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

۱. بن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، مترجم صادق حسن‌زاده، ج ۲، چاپ پنجم، بی جا، انتشارات ارمغان، طوبی، ۱۳۸۹

۲. اصفهانی راغب، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ قرآن**، ترجمه حسین خداپرست، چاپ اول، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷

۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، **دعائم الاسلام**، آصف صیفی، ج ۲، چاپ دوم قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵

۴. الماسی، علی، **ذکر از دیدگاه قرآن و سنت**، چاپ اول، بی جا، انتشارات شکویی، ۱۳۸۴

۵. بابایی، محمدعلی، **برگزیده تفسیر نمونه**، ج ۳، چاپ سیزدهم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۲

۶. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲

۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد، **غررالحکم و دررالکلم**، مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق

۸. جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، مبادی الاخلاق در قرآن، ج ۱۱، چاپ ۱۴، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲

۹. دستغیب، عبدالحسین، **گناهان کبیره**، ج ۲ و ۱، چاپ دوم، مشهد، انتشارات هاتف، ۱۳۹۰

۱۰. طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، چاپ ۲۱، قم، ۱۳۸۵

۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۱

۱۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سی‌ام، تهران، موسسه امیرکبیر، ۱۳۸۳
۱۳. قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶ و ۵، چاپ دهم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۴
۱۴. کاشانی، فتح الله، خلاصه منهج، ج ۳، تهران، انتشارات الاسلامیه، ۱۳۷۳
۱۵. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، ج ۷۴ و ۷۰، چاپ دوم، بیروت، دارالحیات التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق
۱۶. مجلسی، محمد تقی بن مقصود، لوامع، صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۱، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ ه. ق
۱۷. مختاری، رضا، محسن صادقی، غنا و موسیقی، ج ۲، چاپ اول، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷
۱۸. مصطفوی، حسن، مصباح الشریعه، (منسوب به جعفر بن محمد)، حسن مصطفوی، چاپ اول، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.
۱۹. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه ج ۲، چاپ هجدهم، قم، نشر اخلاق، ۱۳۹۱
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات نامن، ۱۳۸۶
۲۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، چاپ ۲۶، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
۲۲. محمد بن یعقوب فیروزآبادی، مجید الدین، بصائر ذوی التمیز، مصحح عبدالعظیم طجاری، ج ۲، القاهره المجلس الاعلی لشون الاسلامیه، ۱۳۸۳
۲۳. معطوف، لوئیس، فرهنگ المنجد عربی فارسی، ترجمه محمد بندر ریگی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۴، قم، انتشارات موسسه دارالحديث العلمیه، ۱۴۳۰ ه. ش